

تأثیر متقابل فرهنگ‌های ملی

چهارصد درام-تئاتر در شوروی کار می‌کردند، و در چهل و پنج زبان ملیت‌های شوروی، نمایشنامه ارائه می‌دادند. هر یک از ملیت‌ها، بزرگ و کوچک، هر دو، سهم بی‌همتای خود را، به گنجینه‌ی مشترک هنر تئاتر شوروی، که نظیر فرش رنگینی بود درخشان با تمام رنگ‌های زندگی مردم، اداء می‌نمودند. ضمن آن که، سیماهای ملی حفظ و پرورش می‌یافتند، هنر تئاتر جملگی ملیت‌های شوروی، به تدریج به یکدیگر نزدیک می‌گردیدند، و هر یک، دیگری را ثروتمندتر می‌کرد.

آثار «آندره ماکایونک»^۱ بلوروسی، «چنگیز آیتماتوف»^۲ قزقزی، «نودار دامبادزه»^۳ گرجی، «ایون دروتس»^۴ مالدای، «موستای کریم»^۵ باشگیری، «آ. کولومیتس»^۶ اوکرائینی، «رستم ابراهیم بیکف»^۷ آذربایجانی، «ژوستی ناس مرزینکی جاویشوس»^۸ لیتوانی، «دپاس والیف»^۹ تاتاری، و بسیاری نمایشنامه‌نویسان دیگر، در سراسر «کشور شوراه‌ها» محبوبیت داشتند. نمایشنامه‌های دراماتیک‌های روسی، به‌طور موفقیت‌آمیزی در تمامی جمهوری‌ها بر صحنه می‌رفتند.

تبادل دانش هنر نمایشنامه‌نویسی، ایده‌های کارگردانی و دست‌آوردهای بازیگران، همانند نوعی گردش خون عمل می‌کرد، و به تئاترها انگیزه‌های خلاق نوین می‌داد. تولید «قلمرو مادر»^{۱۰} اثر «چنگیز آیتماتوف» بر صحنه‌ی «درام-تئاتر آئزوف کازاخ»^{۱۱} به کارگردانی «آ. مامبتف»^{۱۲}، یک پیروزی واقعی بود. «فریدا شاری پووا»^{۱۳}، آکتریس جوان، با قدرت‌مندی تراژیک «تولنگای»^{۱۴}، مادر پیر قرقیزی را که زندگی‌اش بسیار سخت گذشته و خود را تماماً وقف دیگران نموده است، بازی

کرد. «تئاتر کازاخ» با این کار به کیفیت نوینی رسید.

عشق بزرگ و شورانگیز، اشتیاق برای خوشبختی به گونه‌ی آشتی‌ناپذیری با سنت‌های مهجور بی‌رحم در «شب کسوف ماه»^{۱۵}، یک تراژدی شاعرانه اثر «موستای کریم»، برخورد می‌کند. «آکی گت»^{۱۶} و «زُبارزات»^{۱۷}، دو عاشق جوان، مرگ را بر زندگی در برابر جدائی و برده‌گی ترجیح می‌دهند. پانزده کمپانی در جمهوری‌های مختلف این نمایشنامه را تولید کردند، و کوشیدند سبک خاص هنر «کریم» را دریابند، و در همان حال، به کاراکترها رنگ ملی خودشان را انتقال دهند. اجرای این اثر در «تئاتر بلوروسی کاپالا»^{۱۸} به‌ویژه خوب بود.

«ایون اونگورینو»^{۱۹}، کارگردان اهل مالداوی، به‌خوبی ویژگی‌های درام «ایون دروتس» به‌نام «حریم»^{۲۰}، تعمیمات فلسفی و شباهت آن را به یک تمثیل فولک دریافت، و تمامی این ویژگی‌ها را در اجرای «تئاتر مرکزی ارتش سرخ» بیان داشت. بازیگر، «نیکلای پاستوخوف»^{۲۱}، کاملاً با کاراکتر خود «کلین»^{۲۲}، یک چوپان، یک مرد به پاکی کریستال و فارغ از خود، مردی که تمامی زندگی‌اش را وقف حفاظت از طبیعت و هر چیز در حال زندگی می‌کند، آمیخت.

تئاترهای ملی تمایلات حرفه‌ای بسیار گسترده‌ای داشتند. در جوار نمایشنامه‌های خود، آن‌ها، هم چنین کلاسیک‌های روسی و جهانی را به مقیاس وسیعی بر صحنه می‌بردند.

کمپانی شهر «پانی وزیس»^{۲۳} شهرت‌اش به مراتب بسیار دورتر از لیتوانی رفت. این کمپانی توسط کارگردان «ژوزاس میلتنیس»^{۲۴} تأسیس و برای مدت چهل سال سرپرستی شد. کمپانی توجه زیادی به کلاسیک‌ها، آثار «شکسپیر»، «بن جانسون»^{۲۵}، «گوگول»، «چخوف»، «گورکی» و «ایبسن» داشت. مردم از نقاط بسیاری دوری جهت دیدن «رقص مرگ»^{۲۶} اثر «اگوست استرینبرگ» با «دوناتاس بانیونیس»^{۲۷} مشهور در نقش اول، آمدند.

«تئاتر لاهوتی»^{۲۸} در تاجیکستان، نیز بر صحنه بردن کلاسیک‌ها، از جمله اجراهای موفق از «شاه لیر» و «رومئو و ژولیت» از «شکسپیر»، «شاه گوزن»^{۲۹} اثر «گوتسی»

و «گناهکار بی گناه»^{۳۰} اثر «آستروفسکی» را تجربه کرد. «محمدجان کاظم‌اف»^{۳۱}، بازیگر بزرگ تاجیک، «لیر» را همانند کاراکتری از یک افسانه‌ی شاعرانه- عامیانه‌ی پریان، راجع به پدر دیوانه‌ای که به قیمت رنج عظیمی آغاز به تشخیص روشنائی در زندگی‌اش می‌نماید، بازی کرد.

اجرای «براند»^{۳۲} اثر «ایبسن» در «تئاتر هنر لاتویان رایزنی»^{۳۳}، کارگردان «آ. لینینز»^{۳۴}، هیجان بزرگی آفرید. دو نمایشگر جالب نقش عنوانی، بازیگران: «یو. استرنکا»^{۳۵} و «اچ. لی‌پینز»^{۳۶}، تفاسیر خود را از قهرمان غایت‌گرا که شعارش «همه یا هیچ» است، ارائه دادند. در این اجرا، «براند»، در بهمن نمی‌میرد، بلکه در دستان گروهی از جاهلان که به او حمله می‌کنند کشته می‌شود. اما، اعتقاد قهرمان در آرمان‌های باشکوه انسانی، با قدرت‌مندی تراژیکی به صدا درآمد.

«تئاتر وانه‌میون» در «تارتو»^{۳۷}، یک شهر دانشگاهی در استونی، کاملاً یک کمپانی اصل بود. این گروه تنها گروه کلکتیو ترکیبی در «کشور شوراهای» بود. گروه، درام‌ها، اپراها، اپرت‌ها و باله‌ها را که رابطه‌ی متقابلی میان خود دارند، که حس موسیقی را به درام‌ها، و ژرفاهای دراماتیکی را به اپراها می‌رسانند، بر صحنه برد. کمپانی بیش از سی سال توسط «کارل ایرد»، یک رؤیائی بی‌قرار و یک رهبر خردمند و انرژی‌دار، سرپرستی شد. او کمپانی را با کوشش‌های خستگی‌ناپذیر خود به یک کارگاه واقعی جهت تولید آثار جدید صحنه، و جهت تربیت بازیگران و کارگردانان جوان، تبدیل نمود.

تئاتر «کشور شوراهای» قائل به روابط حرفه‌ای استواری با تئاترهای کشورهای سوسیالیست برادر بود. جشنواره‌های تئاتری بلغاریا، مجارستان، آلمان دموکراتیک، لهستان، رومانی و چکسلواکی، در «کشور شوراهای»، سنتی شده بود. این جشنواره‌ها به رویدادهای مهم اجتماعی و فرهنگی توسعه می‌یافتند، و به استحکام بیش‌تر روابط فرهنگی و دوستی انترناسیونالیستی میان ملت‌ها خدمت می‌نمودند. و جشنواره‌های هنر دراماتیک «کشور شوراهای»، نیز در چنین کشورها برگزار می‌شدند.

تئاترهای «کشور شوراها» آثار کلاسیک و نمایشنامه‌های مدرن، از کشورهای سوسیالیستی، نگارش «ج. کاتونا»^{۳۸}، «ش. پتوفی»^{۳۹}، «ج. ماداک»^{۴۰}، «ام. دزیچ»^{۴۱}، «ج. ک. تیل»^{۴۲}، «آی. ل. کاراجل»^{۴۳}، «آ. فردرو»^{۴۴}، «ج. اسلواکی»^{۴۵}، «جی. ساپولسکا»^{۴۶}، «ک. چاپک»^{۴۷}، «ج. هاسک»^{۴۸}، «ب. نوسیک»^{۴۹}، «ام. کرلج»^{۵۰}، «آی. رادویف»^{۵۱}، «آ. استراشیمیروف»^{۵۲}، «ر. استویانوف»^{۵۳}، «ج. رادی یسکف»^{۵۴}، «ک. زیداروف»^{۵۵}، «اس. استراتی‌یف»^{۵۶}، «ب. برشت»^{۵۷}، «ج. یوسکیویچ»^{۵۸}، «ب. یاسنسکی»^{۵۹}، «ج. ارکن»^{۶۰}، «ا. ایلز»^{۶۱}، «ل. دورکو»^{۶۲}، «اف. مولنار»^{۶۳}، «ا. استرت ماتر»^{۶۴}، «آ. ماتیوز»^{۶۵}، «آ. بارانگا»^{۶۶}، «ام. سیاستین»^{۶۷}، «ج. بوکوسیان»^{۶۸} را، فقط در همین یکی دو سال اواخر دهه‌ی هفتاد و اوائل دهه‌ی هشتاد، بر صحنه بردند.

تولید «تکنوازی برای ضربه‌ی ساعت»^{۶۸} اثر «اسوالد زاهرادنیک»^{۶۹}، (کارگردانان «ا. یفرمف» و «آ. واسیلف»^{۷۰}) در «تئاتر هنر مسکو»، کاملاً یک رویداد در زندگی تئاتری بود. این نمایشنامه، نگارش یک نمایشنامه‌نویس اسلواک، معلوم داشت که آخرین کار بازیگران نسل پیرتر «تئاتر هنر مسکو»، که شاگردان «استانیسلاوسکی» بودند- «الگا آندروفسکایا»^{۷۱}، «آلکسی گری‌بوف»، «میخائیل یانشین» و «ویکتور استانی‌تسین»^{۷۲}، می‌باشد؛ و آنان، به گونه‌ی درخشانی به تماشاگر درباره‌ی غم‌ها و شادی‌های سن پیری گفتند، درباره‌ی تراژدی تنهایی، و درباره‌ی احتیاج انسان برای گرمای قلبی و توجه از سوی مردم پیرامون‌اش.

اجرای «دایره گچی قفقازی»^{۷۳} اثر «برتولد برشت»، توسط «روبرت استوروا»^{۷۴}، سر کارگردان «تئاتر راستاولی» در گرجستان، نه تنها در کشور، بلکه در خارج نیز، توجه بسیاری جلب نمود. این کار، اجرائی با ارزش تئاتری عظیم بود- سرشار از موزیک، خرد و آبرونی «برشت»، اجرا به خاطر تخیل و بدیهه‌سازی متهورانه‌اش برجسته شده بود. بازیگر، «راماز چخیک وادزه»^{۷۵}، مردم را با ترسیم شگفت‌انگیزش از «آزداک»^{۷۶}، فیلسوف گدا که به طور تصادفی قاضی می‌شود و تصمیم می‌گیرد تمام دادرسی‌ها را به سود فقرا رسیدگی کند، متحیر می‌سازد. «آزداک» جانب

تأثیر متقابل فرهنگ ... / ۱۳۹

«گروشه»^{۷۷}، ظرفشوی فقیر را می‌گیرد، که به گونه‌ی نافذ- فریبنده‌ای توسط «ایزا جیگو شویلی»^{۷۸} بازی شد. ضمن یک شورش، وی با به خطر انداختن جان خود، طفل خردسال فرماندار را نجات می‌دهد و محبت پسر را به دل می‌گیرد. قاضی از همسر فرماندار که به طرز شرم‌آوری طفل را ترک گفته بود، خلع‌ید می‌کند، و پسر را در برابر فریادهای تحسین‌آمیز مردم به «گروشه»ی خوش دل می‌سپارد. اجرای «ر. استوروا» از «ریچارد سوم» اثر «شکسپیر»، نیز در بسیاری کشورها نمایش داده شد. کارگردان نمایشنامه را به شیوه‌ی تبلیغ‌گرانه‌ی جدی «تئاتر برشت» بر صحنه برد. با آشکار نمودن انگیزه‌های اعمال «ریچارد»، غاضب بی‌شرم قدرت، و ملازمان او، کارگردان پیام مدرن تندی به «تراژدی شکسپیر» انتقال داد. در این اجرا، بازیگر «ر. چخیک وادزه»، «ریچارد» را در سبک جسور و غیرمنتظره‌ای بازی کرد.

نخستین جشنواره‌ی درام کشور دوست، فنلاند، در «اتحاد شوروی»، در ۱۹۸۱ برگزار گردید، که در اثنای آن تماشاگران شوروی فرصت مناسبی یافتند تا از بسیاری اجراهای نمایشنامه‌نویسان کلاسیک و مدرن فنلادی آگاهی یابند.

تئاترها و تئاترروندگان «اتحاد شوروی» همواره علاقه‌ی زیادی به آثار نویسندگان مدرن خارجی نشان می‌دادند- «ژ. آنوی»^{۷۹}، «ر. بولت»^{۸۰}، «دبلیو. بورهت»^{۸۱}، «دبلیو. گیلسون»^{۸۲}، «اس. دلانی»^{۸۳}، «آ. کاسونا»^{۸۴}، «ج. کیلتی»^{۸۵}، «ج. کوپرن»^{۸۶}، «گ. لورکا»^{۸۷}، «ژ. کوکتو»، «ر. مرل»^{۸۸}، «ا. ج. اونیل»، «ا. آلبی»^{۸۹}، «س. اودتس»^{۹۰}، «ج. آزبرون»^{۹۱}، «جی. پاتریک»^{۹۲}، «ل. پیراندللو»^{۹۳}، «ج. پرستلی»^{۹۴}، «اف. ساگان»^{۹۵}، «ان. سیمون»^{۹۶}، «اف. دورنمات»^{۹۷}، «ت. وایلد»^{۹۸}، «ت. ویلیامز»^{۹۹}، «پ. یوستینف»^{۱۰۰}، «ا. دو فیلیپو»^{۱۰۱}، «ج. فیگوئریدو»^{۱۰۲}، «ام. فریش»^{۱۰۳}، «پ. هانت»^{۱۰۴}، «ل. هلمان»^{۱۰۵}، «ن. حکمت»^{۱۰۶}، فقط ذکر معدودی از این نویسندگان است.

تئاترهای «کشور شوراها»، فعالانه، در بسیاری از جشنواره‌های بین‌المللی شرکت می‌ورزیدند. اجراهای دعوتی آن‌ها در خارج از کشور همواره مشهور بود. و کم

نبودند کارگردانانی که، به خارجه، برای تولید نمایشنامه‌های روسی دعوت می‌شدند، از جمله: «توفستونوگف» به آلمان فدرال و فنلاند، «افروس» به ایالات متحده آمریکا و ژاپن، «تاباکف» به انگلستان، و «ولچک» به ایالات متحده آمریکا.

¹ ANDREI MAKAYONOK

² CHNGIZ AITMATOV

³ NODAR DUMBADZE

⁴ ION DRUTSE

⁵ MUSTAI KARIM

⁶ A. KOLOMIETS

⁷ RUSTAM IBRAHIMBEKOV

⁸ JUSTINAS MARZINKIJAVICIUS

⁹ DIAS VALEYEV

¹⁰ MOTHER'S FIELD

¹¹ THE AUEZOV KAZAKH DRAMA THEATRE

¹² A. MAMBETOV

¹³ FARIDA SHARIPOVA

¹⁴ TOLONGAI

¹⁵ NIGHT OF LUNAR ECCLIPSE

¹⁶ AKYEGET

¹⁷ ZUBARZHAT

¹⁸ THE KUPALA BYELORUSSIAN THEATHRE

¹⁹ ION UNGURYINU

²⁰ SANCTUN

²¹ NIKOLAI PASTUKHOV

²² KELIN

- ²³ PANIEVEZIS
²⁴ JUOZAS MIELTINIES
²⁵ DEN JOHNSON
²⁶ THE DANCE OF DEATH
²⁷ DONATAS BANIONIS
²⁸ THE LAHUTI THEATRE
²⁹ KING DEER
³⁰ CUILTY WITHOUT GUILT
³¹ MOHAMMADZHAN KASYMOV
³² BRAND
³³ THE RAISINI LATVIAN ART THEATRE
³⁴ A. LINYNS
³⁵ YU. STRENGA
³⁶ H. LIEPINS
³⁷ TARTU
³⁸ J. KATONA
³⁹ S. PETEFI
⁴⁰ J. MADAC
⁴¹ M. DZICH
⁴² J. K. TYL
⁴³ I. L. CARAJALE
⁴⁴ A. FREDRO
⁴⁵ J. SLOVACKI
⁴⁶ G. SAPOLSKA
⁴⁷ K. CAPEK
⁴⁸ J. HASAK
⁴⁹ B. NUSIC
⁵⁰ M. KRLEJ
⁵¹ I. RADOYEV

-
- ⁵² A. STRASHIMIROV
⁵³ R. STOYANOV
⁵⁴ J. RADICKOV
⁵⁵ K. ZIDAROV
⁵⁶ S. STRATIYEV
⁵⁷ J. IWASKIEVIC
⁵⁸ B. JASENSKY
⁵⁹ J. ERKEN
⁶⁰ E. ILLES
⁶¹ L. DURKO
⁶² F. MOLNAR
⁶³ E. STRITMATTER
⁶⁴ A. MATUSE
⁶⁵ A. BARANGA
⁶⁶ M. SEBASTIAN
⁶⁷ J. BUKOCIAN
⁶⁸ SOLO FOR A STRIKING CLOCK
⁶⁹ OSVALD ZAHRADNIK
⁷⁰ A. VASILYEV
⁷¹ OLGA ANDROVSKAYA
⁷² VIKTOR STANITSYN
⁷³ THE CAUCASIAN CHALK CIRCLE
⁷⁴ ROBERT STURUA
⁷⁵ RAMAZ CHKHIKVADZE
⁷⁶ AZDAK
⁷⁷ GRUSHE
⁷⁸ IZA GIGOSHVILI
⁷⁹ J. ANNOOUIEH
⁸⁰ R. BOLT

⁸¹ W. BORHERT

⁸² W. GIBSON

⁸³ S. DELANEY

⁸⁴ A. KASONA

⁸⁵ J.KILTY

⁸⁶ J. COBURN

⁸⁷ G. LORCA

⁸⁸ R. MERL

⁸⁹ E. ALBBE

⁹⁰ C. ODETS

⁹¹ J. OSBORNE

⁹² J. PATRICK

⁹³ L. PIRANDELLO

⁹⁴ J. PRIESTLEY

⁹⁵ F. SAGAN

⁹⁶ N. SIMON

⁹⁷ F. DURENMATT

⁹⁸ T. WILDER

⁹⁹ T. WILLIAMS

¹⁰⁰ P. USTINOV

¹⁰¹ E. DE FILIPPO

¹⁰² G. FIGUEREIDO

¹⁰³ M. FRISCH

¹⁰⁴ P. HUNTER

¹⁰⁵ L. HELMAN

¹⁰⁶ N. HIKMAT

